

ما با کتاب‌ها آشتی می‌کنیم!

۸ نکته برای این‌که چرا بهتر است کتابخوانی را در برنامه روزانه امسال خود قرار دهید

علی‌اکبر قزوینی*

نمی‌دانم رابطه شما با کتاب چگونه است، اما در این مطلب قصد دارم شواهد و دلایلی را به شما ارائه کنم تا دریابید چرا بهتر است در سال جدید، کتاب خواندن را جزو برنامه اصلی روزانه‌تان قرار دهید. پیش از ورود به بخش‌های مختلفی که برای این مقاله در نظر گرفته‌ام، اجازه دهید این عبارت تاریخی از «فرانسیس بیکن» را نقل کنم که در سال ۱۶۲۵ میلادی نوشته است: «بعضی از کتاب‌ها را باید چشید، برخی را باید بلعید، و تعداد اندکی را باید جوید و هضم کرد. به این معنا که برخی از کتاب‌ها فقط بخش‌هایی‌شان را باید خواند، تعداد دیگری را باید خواند اما نه خیلی کنجکاوانه، و بخش کوچکی را باید کامل و عمیق و بادقت خواند.»

۱. چطور کتاب بخوانیم؟

واقعیت این است که نه در مدرسه و نه در دانشگاه، «خواندن» را یاد ما نداده‌اند. خواندن نه به معنای این‌که مثلاً این عبارت را بتوانیم بخوانیم، به این مفهوم که چگونه با یک نوشته تعامل کنیم و مفاهیم آن را بیاموزیم و آنها را درونی و از آن خود کنیم. (بگذریم که بسیاری از آثار بزرگ نیز چنان ناخوشایند در کتاب‌های درسی عرضه شده بودند که خیلی‌ها مثل من تازه باید در دهه چهارم زندگی، شرینی کلام بزرگانی مثل «سعدی» را بچشند.)

در قرن بیستم، این طرز فکر تقریباً در همه جای جهان از سوی معلمان و کتابداران القا می‌شد که «نوشتن در کتاب یا مارکی و علامتی در آن گذاشتن، آن را کم‌ارزش و آسیب‌دیده می‌کند.» در حالی که یکی از بهترین راه‌های کتابخوانی، خواندن همراه با تأمل و حاشیه‌نویسی است. در مورد یکی از نویسندگان آمریکایی گفته شده اگر دوستانش کتاب‌های او را می‌خواندند بدون این‌که علامتی در آنها بگذارند یا حاشیه‌ای بنویسند، به آنها تذکر می‌داد. او می‌گفت که خواندن کتاب نباید عملی منفعلانه باشد، بلکه باید مثل مکالمه‌ای پرحرارت پیش برود. البته پُر واضح است که این شکل از خواندن، بیشتر برای کتاب‌هایی کاربرد دارد که اندیشه را درگیر می‌کنند، وگرنه کتاب‌های داستان یا رمان را می‌توان تا حد زیادی بدون حاشیه‌نویسی پیش برد.

در مجموع، خواندن باید عملی «گفت‌وگومحور» (با نویسنده کتاب) و دارای شکلی «انتقادی» باشد. مطالب را فقط نباید در مغز «دانلود» کرد، نباید تنها رونوشتی از آنها را به ذهن سپرد، حتی اگر گفته‌های کسانی چون مولانا و حافظ یا فلان متفکر و فیلسوف باشد. از سوی دیگر، برای اثبات

باورها و دانسته‌های خود کتاب نخوانید، بخوانید که شکل‌های دیگر نگرستن به جهان و مسائل آن را بیاموزید؛ و با تفکر و یادداشت‌برداری و علامت زدن و...، مطالب را از آن خود کنید. به یاد داشته باشید که «کیفی» خواندن بسی مهم‌تر از «کمی» خواندن (تعداد کتاب‌هایی که می‌خوانید) است. البته، مهارت‌های «تندخوانی» در جای خودش مفید است و خودم در فهرست مهارت‌هایی که می‌خواهم بیاموزم، «تندخوانی» را هم نوشته‌ام.

۲. کتاب «بخرید»

از خرج کردن برای خرید کتاب‌های خوب نهراسید. بدانید که این کار، یک نوع «سرمایه‌گذاری» روی خودتان است. اگر با «تقسیم درآمدها» آشنا باشید (محمود معظمی این مهارت را آموزش می‌دهد)، می‌دانید که حداکثر ۶۰ درصد از درآمد شما برای امور ضروری می‌تواند خرج شود. کتاب خریدن هم یکی از این امور ضروری است که لازم است در سبد خریدتان بگنجانید. چرا؟ آیا می‌توانید روزی را بدون خوردن خوراک سر کنید؟ جسم شما برای سالم ماندن و بالیده شدن، خوراک می‌خواهد. روح شما نیز همین‌طور است. کتاب خوب، به ذهن شما خوراک می‌رساند. نمی‌توانید ذهن و جان خود را از خوراک‌هایی که لازم دارد محروم کنید و انتظار زندگی‌ای خوش داشته باشید.

بعضی‌ها تند و تند گوشی موبایل خود را عوض می‌کنند، اما به کتاب که می‌رسند دستشان به خرج کردن نمی‌رود. گوشی امسال با گوشی پارسال شاید خیلی فرقی نداشته باشد و بیشتر ترفندهای بازاریابی در میان است تا شما را به خرید گوشی نو ترغیب کند. خیلی وقت‌ها نیز این گوشی جدید ویژگی‌هایی دارد که اصلاً شاید تا مدت‌ها به کارتان نیاید. اگر بودجه محدود دارید، به کتاب بیشتر

برسید تا به این امور فرعی.

۳. چاپی یا الکترونیک؟

بیشتر به سلیقه شما بستگی دارد. الان سایت‌هایی هستند که تعدادی از کتاب‌های فارسی (حتی کتاب‌های تازه‌انتشار یافته) را به شکل قانونی در قالب الکترونیک عرضه می‌کنند. من به‌شخصه بعد از چند سال تجربه کردن کتاب‌های الکترونیک (چه انگلیسی و چه فارسی، و عموماً روی آیفون و آیفون)، به این نتیجه رسیده‌ام که بیشتر دلم می‌خواهد کتاب چاپی کاغذی بخرم و بخوانم. البته در این حالت، یک مشکل پیش می‌آید: جا دادن کتاب‌ها.

فضای امروزی خانه‌ها عموماً کوچک است و کتاب‌های چاپی به‌سرعت می‌توانند همه جا را پر کنند. یک راه این است که بسیار گزیده و بادقت کتاب‌ها را انتخاب کنید و بخرید، و تا چند کتابی را که تازه خریده‌اید تمام نکرده‌اید، سراغ خرید کتاب‌های جدید نروید. یک راه دیگر هم «وجین کتاب‌ها» است؛ کاری که در کتابخانه‌ها نیز مرسوم است. حتی کتابخانه‌ها نیز فضای محدودی دارند و در جایی که گنجایش ۲۰ هزار جلد کتاب دارد، نمی‌توان ۵۰ هزار جلد کتاب جا داد. پیشنهاد می‌کنم سالی یک بار (که بهتر است دم عید نباشد تا با برنامه‌های خانه‌تکانی تداخل پیدا نکند) کتاب‌های خود را «وجین» کنید: آنهایی را که در سال گذشته سراغشان نرفته‌اید و جزو کتاب‌های مرجع نیستند یا به نوعی برایتان ارزش و خاطره خاصی ندارند، به دیگران ببخشید، به خریداران کتاب‌های دست‌دوم بفروشید، یا به کتابخانه اهدا کنید.

در خصوص کتاب‌های چاپی بگذارید یک نکته مهم را هم بگویم: اشخاص مهم دنیای تکنولوژی، ساعات کار فرزندان خود با ابزارهای دیجیتال را محدود می‌کنند. خیلی از این بچه‌ها تا سنی خاص، اجازه ندارند مثلاً دست به آیپد بزنند. در عوض، به کتابخانه‌ای پر از کتاب‌های چاپی دسترسی دارند. نویسنده زندگینامه «استیو جابز» تعجب کرده بود وقتی به خانه او رفته و بچه‌هایش را موبایل و تبلت به دست ندیده بود. آنها خودشان مبدع این تکنولوژی هستند و از مضرات و خطرهای آن خیلی بهتر از ما آگاهند. بگذارید و نگذاریم ترفندهای بازاریابی آنها، ما را چنان بفریبد که تصور کنیم اگر دست فرزند دوساله‌مان آید بدهیم و او بتواند با آن تعامل کند، نابغه‌ای را فردا تحویل جامعه خواهیم داد. اگر جامعه‌ای بهتر می‌خواهیم، باید «خواندن» در خانواده ما تبدیل به «فضیلت» شود.

۴. با هم کتاب بخوانید

تا به حال شده دور هم بنشینید و مثلاً پدر خانواده به صدای بلند و شمرده کتاب بخواند و همه با لذت گوش کنند و بعد درباره‌اش با هم صحبت کنند؟ از یک نسل منقرض شده حرف نمی‌زنم، باز هم همان جناب «استیو جابز» چنین برنامه‌ای در خانه‌اش داشت. دور میز بزرگ غذاخوری در آشپزخانه می‌نشستند و از کتاب‌های مختلف در زمینه‌های مختلف می‌خواندند و درباره‌اش همه اعضای خانواده تبادل نظر می‌کردند. می‌توانید قفسه‌ای را در کتابخانه خود، به کتاب‌هایی اختصاص بدهید که مناسب بلندخوانی در جمع خانواده هستند. نیز می‌توانید در شرکت و محل کار خود، یک ساعت در هفته دور هم جمع شوید و هر کس از کتابی که در آن هفته خوانده، ۵ دقیقه صحبت کند. می‌دانید چقدر مطلب نو در همین یک ساعت خواهید آموخت؟

۵. آهسته و پیوسته بهتر است

یکی از «بهانه‌ها» برای کتاب نخواندن، نداشتن وقت است. خودتان را با این حرف‌ها گول نزنید که مثلاً آخر هفته ۸ ساعت کتاب می‌خوانم یا فلان سفر که رفتم، این کتاب را تمام می‌کنم. مثل اکثر امور دیگر، در اینجا هم «تبادل» بهتر است. آهسته و پیوسته بروید، و به خاطر داشته باشید کارهای کوچکی که هر روز انجام می‌دهید، در ساختن زندگی شما تاثیر بیشتری دارند تا کارهای بزرگی که گاهی اوقات انجام می‌دهید. قطعاً روزی نیم ساعت می‌توانید کتاب بخوانید. همین نیم ساعت را هم شده، ترجیحاً در یک زمان مشخص از روز، به کتاب خواندن اختصاص بدهید.

۶. به کتابفروشی‌ها سر بزنید

این روزها اینترنت خیلی از کارها را راحت کرده و فروشگاه‌های اینترنتی زیادی هستند که از آنها می‌توان کتاب خرید. اما در کنار آنها، سر زدن به کتابفروشی‌های واقعی را فراموش نکنید، حتی شده فصلی یک مرتبه. ناگاه کتابی را کشف می‌کنید که در هیچ وبگردی آن را نیافته بودید و در جایی هم معرفی نشده بود (و چه لذتی دارد این کشف!). اصلاً حضور در فضای کتابفروشی و بین کتاب‌ها، خودش آرامش‌بخش است. ضمناً، می‌توانید خیلی از کتاب‌هایی را ببینید و لمس کنید و بخش‌هایی‌شان را بخوانید که خرید آنها و بردن‌شان به خانه، ضرورت ندارد؛ از آنهایی که به قول «بیکن»: «[فقط] باید چشید.»

۷. کتاب هدیه بدهید

سلايق افراد را بشناسيد و متناسب با آن، كتاب هديه بدهيد. به كارمندان و همكاران خود، به خانواده و عزيزان و دوستان خود، به بچه‌هايي كه به آنها هديه و عيدي مي‌دهيد، به جاي چيزهايي كه همه مي‌دهند، كتابي بدهيد كه مي‌تواند شما را يك عمر در خاطر آنها ماندگار كند و اصلاً شايد زندگي‌شان را به شكل مثبت تغيير بدهد.

۸. نکته آخر

خيلي كارها هست كه انجام دادن و ندادن‌شان فرق خاصي با هم ندارد و اثر بزرگي بر زندگي ما نمي‌گذارد (چه بسا انجام ندادن‌شان بهتر است؛ مثل بيش از حد پاي تلويزيون نشستن يا وبگردى‌هاي بي‌هدف داشتن). اما اگر كتاب نخوانيد، خيلي چيزها هست كه از به دست آوردن‌شان محروم خواهيد ماند. عمر شما كه بزرگ‌ترين سرمايه شماست، مي‌تواند صرف اموري ارزشمندتر شود. كتاب خواندن، كتاب خوب خواندن، و كتاب‌ها را خوب خواندن، زندگي شما را از پايه تغيير مي‌دهد؛ پايه‌اي كه روي آن مي‌توانيد بهترين زندگي را بنا كنيد. شما مي‌توانيد تحوّل ايجاد كنيد و شروع آن هم از خودتان است. لطفاً شروع كنيد!

لطفاً اين مقاله را با دوستان خود به اشتراك بگذاريد.

به كانال تلگرامي ما بپيونديد:

<https://telegram.me/AliGhzn>